

# تحول شهروندی

از عضویت تا حق بنیادی

■ تألیف و گردآوری: عایشه قاضی اوغلو ■

با مقالاتی از: عایشه قاضی اوغلو، راجرز بروییکر،

جیمز دونالد، ویل کیملیکا، فواد کیمان، واین

نورمن، آدریان اولد فیلد و برایان ترنر

ترجمه جلیل یعقوب زاده ی نوری



نقد فرهنگ

■ عنوان و نام پدیدآور: تحول شهروندی: از عضویت تا حق بنیادی / تألیف و گردآوری عایشه قاضی اوغلو؛ با مقالاتی از عایشه قاضی اوغلو... [و دیگران]؛ ترجمه جلیل یعقوب زاده‌ی فرد. ■ مشخصات نشر: تهران: نقد فرهنگ، ۱۴۰۳. ■ مشخصات ظاهری: ۳۰۲ ص. ۱۴/۵×۲۷/۵ س. م. ■ شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۸۳۳۲-۰۲-۴. ■ یادداشت: عنوان اصلی: Vatandaşlığın Dönüşümü: Üyelikten Haklara, 2008. ■ با مقالاتی از عایشه قاضی اوغلو، راجرز برویکر، جیمز دونالد، ویل کیملیکا، فواد کیمان، واین نورمن، آدریان اولدفیلد و برایان ترنر. ■ وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا ■ موضوع: تابعیت- ترکیه؛ حقوق مدنی- ترکیه؛ دموکراسی- ترکیه؛ ملی‌گرایی- ترکیه. ■ شناسهٔ افزوده: قاضی اوغلو، عایشه، ۱۹۶۱- م. گردآورنده: یعقوب زاده فرد، جلیل، ۱۳۴۸-، مترجم. ■ رده‌بندی کنگره: JQ ۱۸۰۹. رده‌بندی دیویی: ۳۲۲/۶۰۹۵۶۱. ■ شماره کتابشناسی ملی: ۹۵۳۹۷۲۵

با همکاری انتشارات قالان یورد



نقد فرهنگ

■ نام کتاب: تحول شهروندی: از عضویت تا حق بنیادی

■ تألیف و گردآوری: عایشه قاضی اوغلو

■ مترجم: جلیل یعقوب زاده‌ی فرد

■ نوبت چاپ: اول ■ سال انتشار: ۱۴۰۳

■ تیراژ: ۵۰۰ نسخه ■ چاپخانه: گیلان

■ شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۸۳۳۲-۰۲-۴

■ قیمت: ۲۷۰,۰۰۰ تومان

www.naqdefarhang.com @naqdefarhangpub naqdefarhangpub

۹ پردیس، خیابان خلیج فارس جنوبی، خیابان شریعتی، خیابان سروستان، نش کوچهٔ سروستان یکم، پلاک ۲، واحد ۱

☎ ۷۱۲۴۶۶۰۹، فکس: ۷۱۲۴۵۹۸۴ تلفن مراکز بخش: ۶۶۴۶۰۰۹۹، ۶۶۴۶۷۰۰۷، ۶۶۴۸۱۶۳۵

© کلیه حقوق محفوظ و مخصوص انتشارات نقد فرهنگ است.

## فهرست

۹.....	پیشگفتار مترجم
۱۹.....	تقدیم
۲۳.....	سرآغاز
۳۱.....	فصل اول: شهروندی: مفاهیم مختلف
۴۳.....	فصل دوم: ملیت‌زدایی از شهروندی: نمونه‌ی ترکیه
.....	فصل سوم: مهاجرت، شهروندی و ملت-دولت در فرانسه و آلمان: تحلیل تطبیقی
۶۹.....	تاریخی
۱۰۹.....	فصل چهارم: شهروندی: آیا کنش غیرطبیعی است؟
۱۲۵.....	فصل پنجم: طرح کلی یک نظریه‌ی شهروندی
۱۶۳.....	فصل ششم: شهروند و پرسه‌زن شهری
۱۹۵.....	فصل هفتم: آناتومی شهروندی در ترکیه
۲۱۵.....	فصل هشتم: تحوّل شهروند
.....	فصل نهم: شهروندی چندفرهنگی مبتنی بر قانون اساسی و دموکراتیک‌سازی در
۲۵۱.....	ترکیه
۲۷۹.....	منابع

## پیشگفتار مترجم

شهروندی مفهومی غریب، پیچیده و با پیشینه‌ی طولانی است که در بسیاری از جریان‌های اندیشه‌ی سیاسی مورد مذاقه قرار گرفته است. این مقوله در ادوار گوناگون به اقتضای فلسفه‌ی سیاسی زمان و نظام حکمرانی ناشی از آن، خواست‌ها و نیازهای اجتماعی تطورات مفهومی مهمی را پشت سر گذاشته است. محور کانونی این اندیشه‌ورزی‌ها شهروندی را نحوه‌ی خاصی از نسبت انسان با جامعه و دولت تلقی می‌کند که به سبب آن حقوق تکالیفی به فرد به عنوان شهروند تعلق می‌گیرد. لذا ماهیت این تکالیف و حقوق مبتنی بر روابطی است که حکمران با مردم به عنوان «دموس» برقرار می‌کند که این مناسبات از طیف «رعیتی»<sup>۱</sup> تا «حق مداری» می‌تواند تغییر یابد.

این اصطلاح با زایش فلسفه‌ی سیاسی در یونان باستان بار معنایی خاصی را در بر گرفت که بر فضیلت (در نظریه‌ی ارسطو) و حق مشارکت سیاسی معدود انسان شهرنشین اشعار داشت. نمایندگی در مجلس و داشتن حق رأی در روم باستان معیار شهروندی گردید و اگرچه این اصطلاح با ظهور اقتدار کلیسا در اروپا بر اثر زوال

---

۱. در لغتنامه‌ی دهخدا و دیگر لغتنامه‌های فارسی «رعیت» به عنوان مترادف شهروندی (Citizenship) آمده است. نگارنده با توجه به اینکه این دو اصطلاح ناظر به پدیده‌هایی مجزا و برآمده از دو ساختار قدرت متفاوت می‌باشد، از کاربرد این واژه به عنوان مترادف شهروند خودداری کرده است. فقط در جوامعی که مبتنی بر نظام شبنانی است (بنا به نظر فرکو) از این اصطلاح استفاده کرده است. براین اساس در متن فوق رعیت در یک نظام شبنانی به مناسباتی از سنخ روابط شبنان و گوسفند اشعار داریم.

امپراتوری روم و سلطه‌ی بربرها دچار افول گردید و انسان مؤمن بر انسان سیاسی تفوق یافت، ولی در عصر مدرن دوباره جان تازه‌ای یافت. در این دوره شهروندی با ملت-دولت گره خورده و در هم تنیده شد.

در این دوره ظهور ملّی‌گرایی و قوام آن از طریق جلب مشارکت سیاسی مردم در یک ساخت سیاسی و عزل اقتدار نهاد سلطنت موجب قوام شهروندی در غرب گردید. فرض اولیه این بود که شهروندان تنها متعلق به یک دولت-ملت می‌باشند و دولت-ملت نیز تمامی افرادی را که در قلمرو سرزمینی آن زندگی می‌کنند تحت پوشش قرار می‌دهد، اما در وضعیت عینی، درجه‌ی تعلق و کم و کیف حقوق شهروندان به علت عدم تجانس جمعیتی متفاوت است و جمعیت هم‌تبار غالب، بیش‌ترین بهره‌مندی از حقوق شهروندی در دولت-ملت‌ها را به خود اختصاص می‌دهد. بدین ترتیب، در این دوره، به خصوص در کشورهایی که فرایند دولت-ملت‌سازی را از بالا به پایین تجربه کرده بودند، «اتنوس» جای «دموس» را گرفت و دموکراسی به اتنوکراسی تبدیل گردید. جهانی‌سازی، تضعیف دولت-ملت‌ها، ظهور ائتلاف‌های منطقه‌ای همچون اتحادیه‌ی اروپا، صحنه‌گردانی نهادهای بین‌المللی در عرصه‌های گوناگون که به گونه‌ای سیادت دولت‌ها را به چالش می‌کشاند و به خصوص بروز مطالبات هویتی در جوامع مدرن که تصور می‌رفت در عصر مدرن در دیگ مذاب دچار همجوشی شدند، زمینه‌ی بازنگری در مفهوم شهروندی و بازگشت از اتنوکراسی به دموکراسی را فراهم نمود. این روند بازگشت به مفهوم دموس، ملّیت‌زدایی از اصطلاح شهروندی را ایجاب می‌کرد.<sup>۱</sup> جدول زیر سیر تطور مفهومی این اصطلاح را نشان می‌دهد.

۱. در ادبیات سیاسی ایران از مفهوم «شهروندی جهانی» سخن می‌رود. به نظر می‌رسد این نوشتارها بیشتر از محتوا به شکل این اصطلاح نظر دارند. در حالیکه مهم‌ترین تحول در عصر حاضر ناظر بر محتوای شهروندی و برجسته‌تر کردن حق بنیادی نسبت به تکلیف‌مداری است. خصوصاً این نوشتارها به بیان دیدگاه‌های نظری مطروحه در مغرب زمین اکتفاء کرده‌اند و از بحث‌های مصداقی در خصوص کشورمان خودداری کرده‌اند. این امر، این نوشتارها را به صرف بحث‌های فانتزیک تقلیل داده است که کاربردی در نظام حکمرانی کشور ندارد. در این خصوص بنگرید به: توانا، محمدعلی (۱۳۹۶)، *شهروندی جهانی در عصر جهانی شدن*، تهران: استاد شهریار؛ شریفی طرازکوهی، حسین (۱۳۹۲)، *درآمدی بر شهروندی جهانی*، تهران: نشر میزان.م.

ادوار	یونان و روم باستان	قرون وسطی- مسیحیت	عصر مدرن	عصر پسامدرن
نوع شهروندی	فضیلت‌مند- صاحب رأی (انسان سیاسی)	افول شهروندی و پدیداری انسان مؤمن	شهروندی بر مبنای تعلقات ملی- عضویت مکلف در دولت- ملت	شهروندی جامع بر مبنای حقوق و مسئولیت‌ها

اولین برخورد ایرانیان با مقوله‌ی شهروندی به انقلاب مشروطه و طرح حقوق و مسئولیت‌های مردم در اولین قانون اساسی ایران و متمم آن (از اصل هشتم تا بیست و نهم) برمی‌گردد، ولی به صورت جدی بعد از طرح جمهوری، سپس به روی کار آمدن رضاخان و تلاش برای تعریف ملت-دولت بود که مسئله‌ی شهروندی و رابطه‌ی آن با دولت-ملت برخی را به تفکر در این خصوص واداشت. با وجود طرح مسئله‌ی حقوق شهروندی از زمان مشروطه تاکنون، برخی دلیل ناکامی جامعه‌ی ایران در تحقق این حقوق و در نتیجه‌ی انسجام بخشی به ملت از طریق جلب مشارکت آنها در سیاست و اجتماع را در بازتولید ساخت پاتریمونیا<sup>۱</sup> در دوره‌ی پسامشروطه و همچنین ساخت اجتماعی نامنسجمی می‌دانند که نتوانست موجب جلب مشارکت سیاسی مردم در سیاست و اجتماع و احساس یگانگی از طریق بازتاب آراء خود در شکل‌گیری تصمیمات و قوانین موضوعه گردد<sup>۲</sup>. این ساخت پاتریمونیا<sup>۱</sup> آنگاه که با فرایند دولت-ملت‌سازی از بالا به پایین همراه گردید، موجب ظهور شکلی از شهروندی گردید که از نظر شکلی مبتنی بر «عضویت» در ملت-دولت و از نظر محتوا مبتنی بر رعیت‌بودگی بود.

وقوع انقلاب ۱۳۵۷ تغییر چندانی در این مفهوم ایجاد نکرد. خصوصاً دو عامل به صورت بارز در مفهوم شهروندی تأثیر گذاشت و بحث‌هایی را برانگیخت. اول از همه، تأکید بر سیاست توده‌ای و احتراز از تحزب را می‌توان مانع اساسی بر سر راه ظهور و قوام شهروندی در ایران بعد از انقلاب دانست. عامل دوم تعریف شهروندی بر مبنای

۱. حشمت‌زاده، محمد باقر و دیگران (۱۳۹۳)، «ناسیونالیسم از منظر شهروندی در عصر پهلوی اول با تأکید بر قومیت»، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پنجم، شماره‌ی اول، صص. ۹۳-۶۹.

مفهوم فضیلت بود<sup>۱</sup>. در واقع انقلاب داعیه دار ایجاد جامعه‌ای فضیلت مند و اخلاق مدار بود. چنین برداشتی محل مناقشه‌ی نظری بسیاری در طول عمر انقلاب بوده است. در سایه‌ی این دو عامل «شهروندی» اصطلاح مطروحه در فلسفه‌ی سیاسی کشور چه در دوره‌ی پیشاانقلاب و چه در دوره‌ی پساانقلاب نبود. با انتخابات دوم خرداد و شعار «ایران برای ایرانیان» شهروندی به مقوله‌ی اصلی جامعه تبدیل گردید. حاصل این تمرکز اگرچه بار اندکی از نظر علمی برای جامعه داشت، ولی سیاسیون را به ارائه‌ی راه حل واداشت. تصویب منشور حقوق شهروندی در دوره‌ی آقای روحانی اقدامی خجسته، ولی نابسنده و ناکارآمد بود. به نظر می‌رسد دلیل عمده‌ی این ناکارآمدی فقر نظری محافل علمی کشور در خصوص این مقوله می‌باشد<sup>۲</sup>. درگیری محافل علمی کشور با این مقوله اقدام بایسته‌ای است که عاجلاً باید صورت گیرد. در کنار این بحث‌های نظری، تجربیات دیگر کشورها شایان دقت می‌باشد.

کتابی که ترجمه‌ی آن تقدیم خوانندگان محترم قرار می‌گیرد، مجموعه‌ای از مقالاتی است که همه‌ی نویسندگان آن، جملگی از جمله نظریه پردازان برجسته‌ی رشته‌ی خود می‌باشند. کتاب را خانم عایشه قاضی اوغلو<sup>۳</sup> که خود از نظریه پردازان

۱. برای بحثی در این خصوص بنگرید به: عیسی‌نیا، رضا (۱۳۹۹)، «جمهوری اسلامی ایران؛ دولت شهروندی اخلاقی یا دولت شهروندی قانونمند؟»، فصلنامه‌ی تحقیقات بنیادین علوم انسانی، شماره‌ی پیاپی ۱۸، صص. ۱۰۵-۸۱.

۲. برخی از کتب و منابع نظری منتشره در زیر عبارتند از: فالکس، کیث (۱۳۹۹)، شهروندی، تهران: نشر حکمت سینا؛ کیویستو، پیترو و توماس فایست (۱۴۰۱)، شهروند: گفتمان، نظریه و چشم‌اندازهای فراملی، ترجمه‌ی قربانعلی سبکتکین ریزی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی؛ پل بلامی، ریچارد (۱۳۹۶)، شهروندی چیست؟، ترجمه‌ی لقمان کاظم پور، تهران: انتشارات مینور؛ کامیار، غلامرضا (۱۴۰۱)، شهر و حقوق شهروندی، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد (کتاب الکترونیکی)؛ استیونسن، نیک (۱۳۹۵)، شهروندی فرهنگی، پرسش‌هایی از منظر جهان شهری، ترجمه‌ی نیلوفر قدیری، تهران: دنیای اقتصاد؛ آرتور، جیمز (۱۳۹۷)، شهروندی و آموزش عالی، ترجمه‌ی آریا متین، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ پاینده، روح‌الله (۱۳۹۷)، مباحثی از حقوق شهروندی، آمل: نشر اودیسه؛ لوری، دیوی (۱۳۸۶)، شهروندی سبز، دموکراسی سبز، عدالت سبز، ترجمه‌ی محمود روغنی، تهران: انتشارات اختران؛ براتعلی پور، مهدی (۱۳۸۴)، شهروندی و سیاست نوقضیلت‌گرا، تهران: تمدن ایرانی؛ کامستلز، استفن و الستر دیویدسون (۱۳۸۲)، مهاجرت و شهروندی: جهانی شدن و سیاست تعلق، ترجمه‌ی فرامرز تقی‌لو، تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی.

کنش‌گران این عرصه در ترکیه می‌باشد، تألیف و گردآوری نموده است. هدف وی از جمع‌آوری این نوشته، ایجاد ارکان نظری در مورد مشکل شهروندی بود که ترکیه، همچون کشور ما، با توجه به وجود مسئله‌ی کرد از یک طرف و از طرف دیگر مسئله‌ی عضویت ترکیه در اتحادیه‌ی اروپا و مواجهه با موج جهانی شدن با آن روبرو است. به خصوص بعد از به روی کار آمدن حزب «عدالت و توسعه» سرعت افزون‌تری یافت و با طرح «گشایش کرد»<sup>۱</sup> و «گشایش علوی»<sup>۲</sup> در عرصه‌های سیاسی و هم در عرصه‌های نظری تلاش‌ها بر روی تعریف دموکراتیک و گسسته از ملت-دولت متمرکز گردید. برای ارائه‌ی یک راه‌حل عملی دانشگاه‌ها و محافل علمی این کشور کنفرانس‌هایی را در زمینه‌ی نسبت شهروند و هویت ملی برگزار نمودند. کتاب‌های متعددی نیز در این زمینه منتشر گردید.

انگیزه‌ی من از ترجمه‌ی این متن، استفاده از تجربیات ترکیه در این خصوص بود. خصوصاً به اینکه فرایند اصلاحات، ملت-دولت‌سازی و طرح مسائل شهروندی در دو کشور تشابهات بسیاری را نشان می‌دهد. متأسفانه مطالعات تطبیقی اندکی در خصوص فرایندهای مذکور در دو کشور انجام شده است. اخیراً مصطفی صبحی اردون کتاب «شهروندی و قومیت در ترکیه و ایران» را منتشر نموده است که در واقع پایان‌نامه‌ی دکترای وی در «دانشگاه فنی خاورمیانه» در آنکارا می‌باشد.

ورای آن در مورد موضوع بحث این کتاب، یعنی شهروندی و تحول و تطور آن در ایران به نوشته‌ای اعم از مقاله و یا کتاب برنخورده‌ام<sup>۳</sup>. جای خالی این مباحث در دوره‌ای که کشورمان در التهاب سیاسی قرار داشت، در دوره‌ی حکومت آقای خاتمی و سپس روحانی شهروندی موضوع بحث بود و حتی تا جایی پیش رفت که دولت

1. Kürt Açılımı

2. Alevi Açılımı

۳. با این همه به ندرت اثری انتقادی از شهروندی در ایران برمی‌خوریم. منابع زیر بر شهروندی در ایران تکیه نموده‌اند، ولی هیچ‌گونه نقدی بر آن وارد نکرده‌اند. تعاریفی از شهروندی را به صورت گزینشی گرفته و با بکارگیری شابلون‌واری از این تعاریف درصدد تبیین شهروندی و حقوق شهروندی در ایران برآمده‌اند. بی‌شک چنین ارزیابی‌هایی بدون توجه به ماهیت دولت و رابطه‌ی شهروندی با ملت-دولت ایران ره به ناکجا می‌برد. برای چنین ارزیابی‌هایی می‌توانید به موارد زیر مراجعه کنید.

خود اقدام به انتشار منشور حقوق شهروندی نمود، بیش از همیشه احساس می‌شد. به نظر نگارنده کم‌مایه‌گی مباحث آن دوره ناشی از خلاء نظری موجود در مورد این مبحث می‌باشد. امیدوارم ترجمه‌ی این کتاب زمینه‌ای برای گشودن افق‌های نوین در کشورمان در این زمینه و مدخلی بر بروز مباحث شهروندی و رابطه‌ی آن با ملت-دولت باشد. امری که به نظر می‌رسد دیر یا زود ما را به مواجهه به آن وادار خواهد کرد. همانگونه که امروزه گسست‌های سیاسی در ترکیه بر محور رابطه‌ی شهروندی و تعلقات ملی شکل گرفته، تسری این گسست‌ها به کشورمان چندان دور از ذهن نیست. بروز مناقشه‌ی نظری حول محور «نظریه‌ی ایران‌شهری» صف‌آرایی موافقین و مخالفین آن هم در داخل نظام و هم در خارج از آن نشانه‌ای از این گسست آتی است.

این کتاب مجموعه مقالاتی است که از طرف خانم عایشه قاضی اوغلو با کمک و همیاری نویسندگان آن گروه هم آورده است. اصل مقالات انگلیسی بود و توسط جم جمگیل به ترکی ترجمه گردیده است. مقاله‌ی فواد کیمان<sup>۱</sup> به زبان ترکی بنا به خواسته‌ی خانم قاضی اوغلو به نگارش درآمده و به کتاب افزوده شده است. نویسندگان این مقالات از اساتید برجسته‌ی این مقوله در دنیا محسوب می‌شوند. عایشه قاضی اوغلو استاد دانشگاه استانبول فارغ‌التحصیل دانشگاه بوستون امریکا در رشته‌ی علوم سیاسی است. زمینه‌های پژوهشی وی ملی‌گرایی، لیبرالیسم، زنان و اسلام، شهروندی و مهاجرت و مسائلی نظیر این می‌باشد. معروف‌ترین کتاب وی «اراده‌ی جمهوریت و محاکمه‌ی دموکراسی: کنکاشی در فرایند دموکراتیک‌سازی در ترکیه (۱۹۹۹)» و «لکه‌ی زمان (۲۰۰۶)»

ویلیام راجرز بوریبکر<sup>۲</sup> استاد رشته‌ی جامعه‌شناسی دانشگاه کالیفرنیا در لس آنجلس می‌باشد. در بین سال‌های ۱۹۸۸-۱۹۹۱ در دانشگاه هاروارد در «جامعه‌ی همیاران» مشارکت داشت. در سال ۱۹۹۰ دکترای خود را از دانشگاه کلمبیا دریافت نمود. در بسیاری از نظریات علوم سیاسی از جمله نشریه‌ی «نظریه و جامعه» در سمت سردبیر

1. E. Fuat Keyman

2. William Rogers Brubaker

کار کرد. کتاب‌های معروف وی عبارتند از: مرزهای عقلانیت: رساله‌ای درباره‌ی اندیشه‌ی اجتماعی ماکس وبر<sup>۱</sup> (۱۹۸۴)، شهروندی و خودآگاهی ملی در فرانسه و آلمان (۱۹۹۲)، ملی‌گرایی دوباره طراحی شده: ملیت و مسئله‌ی ملی در اروپای نوین (۱۹۹۶)، گروه‌های بدون قومیت (۲۰۰۴)، سیاست‌های ملی‌گرایانه و قومیت روزمره در یک شهر ترانسیلوانیا (م. فیشمیت، به همراه ژ. فوکس و ل. گرانسه) (۲۰۰۶).

آدریان اولدفیلد<sup>۲</sup> استاد دانشگاه سالفورد منچستر و نویسنده‌ی کتاب معروف «شهروندی و اجتماعات: جمهوری خواهی مدنی و دنیای مدرن» (۱۹۹۰) می‌باشد.

برایان ترنر<sup>۳</sup>، پروفیسور انستیتوی مطالعات آسیایی در دانشگاه ملی سنگاپور و پروفیسور پیشین در رشته‌ی جامعه‌شناسی دانشگاه کمبریج می‌باشد. پژوهش‌های وی در زمینه‌ی شهرنوی، جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی پزشکی و نظریه‌ی اجتماعی است. کتاب‌های معروف وی عبارت است از: نظریات تالکوت پارسونز<sup>۴</sup> در خصوص اقتصادی و جامعه (۱۹۸۸)، ماکس وبر: از تاریخ مدرنیته (۱۹۹۲)، شرق‌شناسی، پسانوگرایی و جهانی‌سازی<sup>۵</sup> (۱۹۹۴)، دانشنامه‌ی جامعه‌شناسی پنگوئن (به همراه ن. ایرکومی و س. هیل ۱۹۹۴)، بدن و جامعه: پیشرفت‌ها در نظریات اجتماعی (ن. ایرکومی، هیل، ۱۹۹۴)، برای جنگ: بررسی جامعه‌شناسی سرنوشت (۱۹۹۶)، وبر و اسلام<sup>۶</sup> (۱۹۹۸)، خوانش تالکوت پارسونز (۱۹۹۹)

ویل کیملیکا<sup>۷</sup> در دانشگاه کبک کانادا در رشته‌ی فلسفه‌ی سیاسی تحصیل نمود و سپس به عنوان دانشجوی مهمان در دانشگاه اروپای مرکزی بوداپست به

۱. این کتاب به ترجمه‌ی شهناز مسمی‌پرست از طرف نشر کتاب پارسه در سال ۱۳۹۵ در تهران منتشر شده است.

2. Adrian Oldfield

3. Bryan S. Turner

4. Talcott Parsons

۵. این کتاب در ایران به نام «رویکرد جامعه‌شناسی به شرق‌شناسی، پست مدرنیسم و جهانی شدن»، ترجمه‌ی آقای محمدعلی محمدی از طرف نشر یادآوران، بار دیگر با ترجمه‌ی محمدرضا تاجیک در سال ۱۳۸۱ از طرف نشر فرهنگ گفتمان و بار سوم با ترجمه‌ی سعید وصالی از طرف بنیاد نهج البلاغه در تهران منتشر شده است.

۶. این کتاب در ایران به ترجمه‌ی سعید وصالی از طرف نشر مرکز منتشر شده است.

7. Will Kymlicka

عنوان پروفسور تدریس نمود. در سال ۱۹۸۷ دکترای خود را در دانشگاه آکسفورد دریافت کرد. کتاب‌های معروف وی عبارتند از: لیبرالیسم، اجتماعات و فرهنگ (۱۹۸۹)، فلسفه‌ی معاصر سیاسی<sup>۱</sup> (۱۹۹۰)، شهروندی چندفرهنگی: نظریه‌ای لیبرالی در باب حقوق اقلیت‌ها<sup>۲</sup> (۱۹۹۵)، یافتن راهمان: بازانديشي روابط فرهنگ قومی در کانادا (۱۹۹۸)، سیاست به زبان عامیانه: ناسیونالیسم، چندفرهنگ‌گرایی و شهروندی (۲۰۰۱)، و اُدیسه‌های چندفرهنگی: سنجش سیاست‌های تنوع نوین بین‌المللی (۲۰۰۷).

واین نورمن<sup>۳</sup> پروفسور در رشته‌ی فلسفه و دانشگاه دوک و انستیتوی اخلاق کنان و فارغ‌التحصیل دوره‌ی دکترای در مدرسه‌ی اقتصاد لندن می‌باشد. در دانشگاه مونترال، دانشگاه کلمبیا، بریتانیا، اوتاوا و در دانشگاه اونتاریو غربی به عنوان پروفسور تدریس کرده است. کتاب‌های معروف وی عبارت است از: آیا آزادی را باید جدی گرفت؟ (۱۹۹۱)، فلسفه‌ی سیاسی کانادا (به همراه ر. بینر (۱۹۹۱))، شهروندی در جامعه‌ی ناهمگن (به همراه ویل کیملیکا، ۲۰۰۰)، ناسیونالیسم مبتنی بر مذاکره: ملت‌سازی، فدرالیسم و طرد در دولت چندملیتی (۲۰۰۱)، نظریه‌ی فدرالیسم: یک خوانش (به همراه د. کارمیس، ۲۰۰۵).

جمیز دونالد<sup>۴</sup> در سمت رییس دانشکده‌ی هنر و علوم اجتماعی دانشگاه والز جنوبی سیدنی مشغول به کار می‌باشد. پیش از این در انستیتوی فناوری کارترین استرالیای غربی، دانشگاه آزاد و دانشگاه ساکس تدریس کرده است. کتاب‌های وی عبارتند از: اطلس مطبوعات و اطلاعات پنگوئن به همراه م. بالنواس و س. اچ. (۲۰۰۱)، تصور شهر مدرن (۱۹۹۹)، آموزش سانتیمانثال؟ مدرسه‌داری، فرهنگ عامیانه و قاعده‌ی آزادی (۱۹۹۲)

فؤاد کیمان به عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه استانبول و سپس در «مرکز

۱. این کتاب تحت عنوان «درآمدی بر فلسفه‌ی سیاسی معاصر»، ترجمه‌ی میثم بادامچی و محمد مباحثی در سال ۱۳۹۶ توسط نشر نگاه معاصر منتشر شده است.

۲. این کتاب با ترجمه‌ی ابراهیم اشکافی در سال ۱۳۹۸ توسط نشر شیرازه منتشر شده است.

3. Wayne Norman

4. James Donald

مدیریت جهان‌شدن و دموکراسی» در دانشگاه کوچ استانبول مشغول به تدریس گردید. در ترکیه در زمینه‌های دموکراتیک‌سازی، جهانی‌سازی، روابط بین‌الملل و روابط بین دولت و جامعه مشغول به پژوهش می‌باشد. کتاب‌های وی عبارتند از: جهانی‌سازی، دولت، هویت/تغییر: به سوی نظریه‌ی اجتماعی انتقادی در روابط بین‌الملل (۱۹۹۷)، ترکیه و دموکراسی رادیکال، (۲۰۰۰)، ترکیه بر محور جهانی-محلی (به همراه ساریبای، ۲۰۰۰)، لیبرالیسم، دولت و هژمونی (۲۰۰۰)، دنیای در حال تغییر، ترکیه‌ی غرق در تفکر (۲۰۰۵)، شهروندی در جهان جهانی‌شده: مسائل اروپایی و تجربیات ترکیه (۲۰۰۵)، سیاست ترکیه و تجربیات ترکی (به همراه ایچ‌دویغو، ۲۰۰۵)، سیاست ترکیه در جهان در حال تغییر (به همراه اونیش ۲۰۰۷) و حکمرانی خوب در ترکیه (۲۰۰۸)

در آخر به در آخر به جاست از زحمات دوست عزیز مهدی حمیدی که زحمت بسیاری در بازخوانی این کتاب و سایر کتاب‌های بنده کشیده‌اند، تشکر کنم. در این اواخر با توجه به ناراحتی‌های فیزیکی و روحی ایشان حق بزرگی بر گردن بنده دارند. همچنین بر خود واجب می‌دانم از لطف مدیر محترم انتشارات قالان بورد، آقای سعید یاسین زاده قدردانی بکنم. امیدوارم روزی توفیق جبران این زحمات را داشته باشم.

## سراغاز

عایشه قاضی اوغلو |

در بیش‌تر موارد جوابی که به پرسش «کیستی» داده می‌شود، به محل صدور شناسنامه و پاسپورت اشاره دارد. در حالی که می‌توان به این پرسش با عطف به چندین هویت اجتماعی جواب داد. از اندیشه‌وران امروزین علم سیاست، طارق رمضان در یک مصاحبه این پرسش را چنین پاسخ داده است: «از منظر ملیت سوئدی، از منظر دین مسلمان، از نظر پیشینه هم مصری‌ام»<sup>۱</sup>. امروزه در بحبوحه‌ی میدان‌داری هویت‌ها در جامعه، مهم‌ترین پرسش از دانشوران علم سیاست، در ارتباط با چگونگی برقراری پیوند بین این هویت‌ها و پاسداشت همزمان آنهاست. ندیده گرفتن دیگر هویت‌ها نشانه‌ای از رفتار نابه‌هنجار جدی است.

مباحثات شهروندی در ترکیه نهایتاً به این مسئله متمرکز می‌شود که برداشت‌ها از شهروندی تا چه اندازه جامع، فراگیر و دموکراتیک می‌باشند. براساس این مباحث، شهروندی ترکیه هم ترک‌ها، هم کردها، هم آرامنه، هم یهودی‌ها و بسیاری از گروه‌های متفاوت دینی و زبانی را در بر می‌گیرد و از این رو دموکراتیک می‌باشد. هواداران این رویکرد نهایتاً مشعوف از اینکه توانسته‌اند مسئله را حل و فصل نمایند، این پرسش کلیدی را مطرح می‌کنند که «مگر غیر از این است که همه‌ی ما ترکیه‌ای هستیم؟»

«چه لزومی برای تأکید بر کیستی افراد است؟». حال این که، این گونه نگرش فله‌ای به شهروندی به معنی استحاله‌ی همه‌ی هویت‌ها در هویت خودی است و در دموکراتیک بودن آن تردید ایجاد می‌کند. امروزه یکی از الزامات دموکراسی آمادگی برای قبول تفاوت‌ها و اختلافات است. در دوره‌ی تکوین دولت-ملت‌ها، حاکمیت ملی یکی از پدیده‌هایی بود که موانع مشارکت هر چه بیشتر مردم در امور سیاسی را برطرف نمود. در حالی که امروزه سیاست مبتنی بر امر ملی، تا زمانی که نماینده‌ی هویت‌های متفاوت نباشند، مانعی بر سر راه مشارکت مردم تلقی می‌شود. یکی از راه‌های افزایش مشارکت سیاسی گسستن زنجیر ملت-دولت از مفهوم شهروندی است. در واقع، امروزه در دانشگاه‌های غربی پژوهش‌ها در کرسی علم سیاست بر محور مفهوم شهروندی صورت‌بندی می‌شود.

در ترکیه ملی‌گرایان، در درک مطالبات هویتی هموطنان کرد خود مقاومت می‌کنند. زیرا، به نظر آنها هم ترک‌تبارها و هم کردتبارها همگی شهروند می‌باشند. به نظر این گروه، داشتن اوراق شهروندی ترکیه (همچون شناسنامه و پاسپورت) دلیلی برای شکایت از وضعیت موجود باقی نمی‌گذارد. کسانی که دارای چنین رویکردی هستند، دچار اشتباه مشابهی هستند و آن اینکه، اصرار دارند شهروندی را همچون عضویت در یک باشگاه تلقی بکنند. در سیاست مدرن نام این باشگاه ملت-دولت است. به نظر اینها، اگر به عنوان عضوی از این باشگاه پذیرفته شده‌اید، حق شکایت از هیچ چیزی را ندارید. در حالیکه برخی از افراد شهروند جمهوری ترکیه ممکن است دارای هویت‌هایی همچون کردی، چرکسی، ارمنی، یهودی، علوی و نظایر آن باشند که خواهان نابودی این هویت‌ها نیستند. بلی، بی‌شک کسانی که دارای خودآگاهی نسبت به چنین هویت‌هایی هستند، می‌توانند شهروند جمهوری ترکیه باشند. ولی در ارتباط با این هویت‌ها چه بر سر تفاوت‌ها خواهد آمد؟ امروزه نکته‌ی محوری مباحثات شهروندی پاسخ‌گویی به این پرسش است.

مباحثاتی که پیرامون این پرسش در ادبیات شهروندی در جریان است، بر محور «حقوق اقلیت» صورت‌بندی شده است. از آنجا که برخی از هویت‌های متفاوت در ترکیه تعبیر «اقلیت» را خوش نمی‌دارند، مباحثات پیرامون این هویت‌ها به بن‌بست

رسیده است. برای اینکه اصطلاحات هویت فرادست و فرودست اذهان را مغشوش ننماید و مباحثات شهروندی را به دیالوگ بین ناشنویان [پانتومیم] تبدیل نسازد، لازم است تأکید نمود که اقلیت تنها شامل گروه‌های غیرمسلمان نمی‌شود. نارضایتی برخی از گروه‌های هویتی از اینکه اقلیت تلقی شوند، ویژگی منحصر به فرد ترکیه است. «مؤسس بودن» آن‌چنان در ترکیه اسطوره‌سازی شده است که همه می‌خواهند عنصر مؤسس محسوب شوند و نه اقلیت.

حقوق اقلیت‌ها، در مفهوم حقوقی شامل همه‌ی انسان‌هایی است که به عنوان شهروند علاوه بر برخورداری از حق انتخاب و انتخاب شدن در همه‌ی سطوح، از حق متفاوت‌بودگی و متمایزبودگی نیز برخوردارند. در ادبیات شهروندی این حقوق به «حق تکثر فرهنگی» موسوم است. در این مورد، همانگونه که ویل کیملیکا و این نورمن، از نظریه پردازان پیشگام این حوزه، در مقاله‌ی هفتم این کتاب بیان کرده‌اند، حق تکثر فرهنگی بیش از تأکید بر خودگردانی، صیانت از تفاوت‌های خویش در عین همجوشی با جامعه می‌باشد. حساسیت دولت به این حقوق، گامی فراتر از مدارا با تفاوت‌های فرهنگی، به معنی استقبال از این تفاوت‌های فرهنگی است. آزادی تعلیم و تحصیل به زبان‌های گوناگون، طراحی علائم راهنمایی و رانندگی به زبان‌های مختلف در نواحی ناهمسان هویتی، عدم ممانعت از پوشش‌های سنتی مردم، حساسیت نشان ندادن به آیین و مناسک دینی مختلف جلوه‌هایی از چندفرهنگ‌گرایی است. البته این حقوق بی‌نهایت نمی‌باشد. اعمال تحکیم گروه‌ها و جماعت‌ها بر افراد مرزهای این حقوق را تعیین می‌کند. حقوق چندفرهنگ‌گرایی در بیش‌تر نواحی دنیا به اجرا گذاشته می‌شود و غالب توجه این‌که اعمال این حقوق منجر به تجزیه‌ی کشورها نیز نمی‌گردد.

برای این‌که از مباحث هویت‌های فراداست و فرودست در ترکیه بتوانیم مفهوم مفیدی کسب کنیم، لازم است تا دو امر را بپذیریم:

اول اینکه، بسیار مهم و حیاتی است که شهروندی را نه عضویت در یک باشگاه (ملت-دولت)، بلکه به صورت یک سری از حقوق بنگریم. شهروندی جمهوری ترکیه بیش از آن‌که دارا بودن اوراق باشد، برخورداری از حقوق مترتب بر آن را لازم می‌شمارد.

حقوق اقلیت و یا حق تکثر فرهنگی را نیز باید از جمله‌ی این حقوق محسوب نمود. این ایده که شهروندی جمهوری ترکیه در مفهوم عضویت، به خودی خود به مفهوم برخورداری از چنین حقوقی است، میراثی از برداشت بسیار کهنه و نارساست. افراد «متفاوت‌بودگی» را در کنار صاحب حق بودن لازم می‌بینند. امروزه، مقصود از گسستن مفهوم شهروندی از ملت-دولت همین است. مباحثات پیرامون هویت فرادست و فرودست معطوف به درک این تغییر و تفاوت‌ها می‌باشد. از این منظر و با عزیمت از این نکته که تفاوت‌های زبانی و دینی از بین نخواهند رفت، ایجاد کلیتی «جامع و در برگیرنده» کاری عبث به نظر خواهد رسید. در محیطی که تفاوت‌ها به رسمیت شناخته شده‌اند، بیش از تجزیه، برقراری یگانگی و اتحاد هماهنگ ممکن می‌باشد. شناسایی تفاوت‌ها غناء و تلاش برای اعمال محدودیت و نابودی تفاوت‌ها سترونی فرهنگی به بار می‌آورد.

دوم اینکه، لازم است تا آگاهانه به فرایند «یادآوری» پردازیم. در فرایند تکوین هویت «ترکی» در ترکیه دوره‌ی جدی «نادیده‌انگاری / تشویق به نادیده‌انگاری» به اجرا گذاشته شد که در اثناء آن بسیاری از هویت‌های متفاوت جامعه یا طرد گردیدند و یا دچار همسان‌سازی شدند. تصور این که هویت‌های متفاوتی وجود ندارد، یکی از مهم‌ترین خصوصیات فرهنگ سیاسی این کشور است. امروزه، این نادیده‌انگاری در مباحثات شهروندی نیز انعکاس می‌یابد و با پرسش‌هایی چون «چه هویت‌های متفاوتی؟» و «مگر همه شهروند ترکیه نیستیم؟» به این مباحث واکنش نشان داده می‌شود. هویت ملی که با نادیده گرفتن و نفی تنوع و غنای فرهنگی رایج در اراضی جمهوری ترکیه طرح شده است، در شرایط کنونی به تدریج در حال دور شدن از تأمین یکپارچگی دموکراتیک می‌باشد.

مباحث کنونی شهروندی برای تحقق این دو امر، یعنی احتساب شهروندی نه به عنوان عضویت در یک باشگاه، بلکه به عنوان برخورداری از یک سری از حقوق، بازنگری در گذشته را ضروری می‌سازد. مباحث شهروندی، مخصوصاً از اوایل دهه‌ی نود تاکنون با سرعت روزافزون ادامه دارد. علاقه‌ی روزافزون اولیه به فرایند شکل‌گیری و صورت‌بندی مفهومی شهروندی مدرن، بعدها جای خود را به تلاش برای تعریف و

تدوین برداشت‌ها و رویکردهای نوین به شهروندی داد.

اصطلاح شهروندی به نظر برخی از افراد براساس اوراق قانونی و بنا به برخی دیگر براساس حقوق تعریف می‌گردد. پیش از پرداختن به مباحثات پیرامون شهروندی لازم است تعاریف ارائه شده از این اصطلاح را مورد بررسی قرار دهیم. فصل اول این کتاب در تلاش است تا تعاریف ارائه شده از شهروندی را به صورت خلاصه مورد بررسی قرار دهد. هدف ایجاد چارچوب نظری برای این کتاب و در عین حال مدخلی بر مباحث شهروندی است.

فصل دوم، مقاله‌ای به قلم نگارنده در خصوص تحولات ترکیه در ارتباط با شهروندی ملیت‌زدایی شده در حوزه‌ی قانونی و جامعه‌ی مدنی است. برای بررسی شهروندی فراتر از تعلقات ملی در ترکیه، پیش از هر چیزی بررسی در ویژگی‌های هویت ملی لازم و ضروری است. برخی از پژوهش‌ها در خصوص چگونگی شکل‌گیری هویت ملی در ترکیه به ویژگی‌های طردکنندگی آن و برخی دیگر نیز به ابعاد همسان‌سازی آن، یعنی رفع هرگونه تفاوت و تکیه بر ترک‌گردانی تأکید دارند. اینکه برداشت نهادینه‌شده‌ی هویت ملی در ترکیه حائز برخی ویژگی‌های نژادگرایانه است یا نه، هنوز هم محل بحث و گفتگو است. این مباحث، آنگاه که همراه با پیش‌زمینه‌ی تاریخی صورت می‌گیرد، به جای سناریوسازی هویت ملی غیرتاریخی، در تلاش است تا نشان دهد عناصر طردکننده و همسان‌ساز در فرایند سناریوسازی هویت ملی چگونه دچار قبض و بسط شده‌اند. در این فصل، در ابتدا ویژگی‌های اصلی فرایند سناریوسازی هویت ملی مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس تدابیر قانونی و فعالیت‌های گروه‌های جامعه‌ی مدنی در راستای اضمحلال شهروندی مبتنی بر این هویت مورد مذاقه قرار می‌گیرد و تلاش می‌شود تا به تحولاتی که منجر به شکل‌گیری شهروندی ملیت‌زدایی شده در ترکیه خواهد شد، روشنی بخشد.

در فصول سوم، چهارم و پنجم سه مقاله‌ی کلیدی به تحلیل سنخ‌شناسی شهروندی مدرن اختصاص یافته است. اولین مقاله از طرف ویلیام راجرز برویکر به نگارش درآمده است. برویکر در این مقاله توجه خواننده را به رابطه‌ی ملی‌گرایی و برداشت‌های متفاوت از شهروندی جلب می‌کند. به خصوص، برویکر با تأکید بر

تفاوت بین ملی‌گرایی فرانسوی و آلمانی، تأثیر ملی‌گرایی آلمانی (که تا نیم قرن پیش در این کشور نفوذ داشت) بر شهروندی در این کشور را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. منشاء تاریخی رویکرد تبارگرایانه‌ی شهروندی آلمانی را که تا سال ۲۰۰۰ در این کشور اعتبار و رواج داشت، باید در دوره‌ی پیش از نازیسم، در فرایند ملت-دولت‌سازی در آلمان کاوید.

شهروندی، نه تنها با برقراری ارتباط با فرایند ملت-دولت و ملی‌گرایی، با عطف به رویکردهای نظری لیبرال و جمهوری خواهی نیز رده‌بندی می‌شود. مقاله‌ی چهارم به قلم آدریان اولد‌فیلد به تأثیرات این دو رویکرد بر شهروندی پرداخته است. فصل پنجم نیز نظریه‌ی بریایان ترنر را در مورد شهروندی و تأثیر شهروندی انفعالی و پویا بر حوزه‌ی شخصی در بر می‌گیرد.

دو فصل ششم و هشتم به دو مقاله‌ی اصلی اختصاص یافته است که زمینه را برای تعریف شهروندی فراتر از عضویت، به عنوان یک سری از حقوق همپاء می‌کند. مقاله‌ی فصل ششم نوشته‌ی جیمز دونالد، اولین مقاله‌ای است که شهروندی را به عنوان پدیده‌ای ورای عضویت مورد بررسی قرار داده است. فصل هشتم نیز به مقاله‌ی ویل کیملیکا و واین نورمن اختصاص یافته است که با پژوهش‌هایشان در مورد حق تکثر فرهنگی مشهور می‌باشند. برای فهم شهروندی حق-بنیاد، در ورای عضویت در یک باشگاه، الزاماً باید بر حقوق چندفرهنگ‌گرایی تأکید نمود. از این رو، تبیین دایره‌ی شمول این حقوق، تفکیک آن از حقوق نمایندگی ویژه و حق خودگردانی حائز اهمیت می‌باشد. مقاله‌ی کیملیکا و نورمن به خاطر ارائه‌ی «شهروندی چندفرهنگ‌گرای مبتنی بر قانون اساسی» نقش مهمی در تعریف شهروندی دموکراتیک در ترکیه دارد.

در فصل هفتم، رویکرد نظری مطروحه در فصول چهارم، پنجم و ششم در مورد ترکیه به بحث گذاشته می‌شود. این مقاله در تلاش است تا در سایه‌ی رویکرد نظری مطروحه در این فصول، محدوده‌ی مباحثات شهروندی در ترکیه را مشخص نماید. فصل نهم، مقاله‌ای که از طرف فواد کیمان برای این کتاب به نگارش درآمده است، بر «شهروندی چندفرهنگ‌گرای مبتنی بر قانون اساسی» تمرکز دارد.

بی‌شک فرایند عضویت در اتحادیه‌ی اروپا به اقداماتمان در راستای دموکراتیک‌سازی

برداشتمان از شهروندی در ترکیه جسارت بخشیده است. ولی، این پیشرفت‌ها واکنش‌های ملی‌گرایانه را نیز برانگیخته است. امروزه، مسئله‌ی مشارکت سیاسی حول بحث در مورد دایره‌ی شمول مردم، یعنی دُموس جریان دارد. گذار از عجزین‌شدگی این تعریف با ملت و تصوّر کردن شهروندی بر مبنای خصوصیات دینی و زبانی، یکی از تحولات عمده در راه تغییر وضعیت کنونی است. به گونه‌ای که اصطلاح شهروندی مدرن که تفاوت‌ها را به حوزه‌ی شخصی حواله می‌کرد، با شناسایی آن در حوزه‌ی عمومی در حال بازسازی خود می‌باشد. با تعریف شهروندی به عنوان پدیده‌ای فراتر از ملت-دولت، شهروند ملی به عنوان یک کنشگر سیاسی اهمیت پیشین خود را از دست می‌دهد. این تحول، خیزش امواج ملی‌گرایی را به دنبال خود دارد. امروزه چه در ترکیه و چه در کشورهای دیگر مصوبات مجلس برای اصلاحات قانونی، بیش‌تر از آنکه مطالبه‌ی شهروندان آن جامعه باشد، خواست نهادهای فراملی همچون اتحادیه‌ی اروپا و نهادهای مهم منطقه‌ای هستند. در این شرایط، شهروندان ملی به محض اینکه احساس تزلزل در جایگاهشان، به جریانات ملی‌گرایانه روی می‌آورند.